ما شاء الله لا قوة الا بالله

از تازہ افاضات جامع الکمالات مولانا اجیر الدین محمد باشندہ پھولباڑی ضلع سلہٹ بنگالہ

ریاض النور

باہتمام راجی رحمت و غفران [illegible] عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان مغفور

در مطبع نظامی واقع کانپور محلہ پٹکاپور سنہ ۱۲۹۹ھ مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله المحیی الممیت الخالق الذی خلق اللیل والنهار لتعلموا عدد السنین والحساب والصلوٰة
والسلام علی النبی الامی العربی الشفیع المشفع یوم الحساب المنعوت فی القرآن
وعلی آله واصحابه وکبار امته الذین هم هداة الخلق الی طریق الحق والصواب
کثیر الجنایة اجیر الدین محمد المتخلص به مدحت ابن المرحوم مولوی ظهیر
علی از باش گزینان مقام پهپولیاڑی ضلع سلهٹ بعرض سخنوران نکته پرور و نکته
میرساند که این عیب سرمایهٔ بی هنر هیچمدان نه سخن فهم است نه سخندان جرأتیکه به تصنیف
نموده باعث آن نه دعوی سخنوری بوده صرف بامید حصول ثواب بیمن توجهات ارواح
طیبهٔ بزرگان دین قدس الله اسرارهم ونفعنا الله ببرکاتهم وعلت غائی این خامه فرسائی است
ورقی چند سیاه کرده حاشا که نه گناه کرده این نامه که ورقی از دفتر اعمال این نامه سیاه است
چه عجب که فروغ میامن این اسامی گرامی تاریکی دفتر سیاهم فروشوید و رنگ روشنی بخشد و از پرتو
انوار آن سینه نامه ام چون ورق آفتاب همه تن تابان شود و درخشد چشم از هنرمندان عیب پوش
و بلند نظران عذر نیوش آنکه اگر از خامه ام عیبی معاینه کنند بمقتضای بلند نظری اگر توانند
اصلاح کنند و راقم را ممنون سازند والا بعذرم گوش نهند و بعیب چینی نپردازند
الآن نشرع فی المقصود مستعینا بالله الملک المعبود

تاریخ رحلت حضرت خاتم الرسالة شفیع المذنبین محبوب رب العالمین محمد مصطفےٰ احمد مجتبیٰ صلی اللہ علیہ وسلم

سنه ۱۱ھ

شفیع الوری خاتم الانبیا — چو شد واصل حضرت کبریا
شمار سن رحلتش یافتم — بدو حرف از آخر انبیا

ایضاً

ز دعوت حق سو لامکان — روان شد شهنشاه امت نواز
تاریخ رحلت دل زار گفت — ز دار فنا رفت شاه حجاز

ایضاً

سن رحلت شاه پیغمبران — بجوی از رخ حور و فرق جنان

ایضاً

فخر کونین احمد محمد — شاه بطحا حبیب رب ودود

ایضاً

از دنیای دون سفر فرمود — گفت دل کز مدینه شد محمود

ایضاً

در سن وصل شه فرخ فال — رفت از اهل مدینه اقبال

تاریخ رحلت امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ

سنه ۱۳ھ

شد چو آن مهر اوج دین صدیق — واصل رب مشرق و مغرب
سال تاریخ رحلتش گفتم — مهر تابان برون شد از یثرب

ایضاً

سن ترحیل صدیق مجاهد — فلک گفتا بجوی از نفظ جاهد

تاریخ رحلت حضرت عمر فاروق رضی اللہ عنہ

سنه ۲۴ھ

ز دار المحن چون بدار النعیم — روان گشت فاروق والاگهر
سن رحلتش هاتف غیب گفت — ز دار المحن گشت بیرون عمر

ایضاً

شهید فاروق سوی عالم قدس — بشوق وصل حق از خطه خاک
ز شد چاک در هجرش جان را — بجو تاریخ وصلش در سن چاک

ایضاً

ز عالم شهید عمر چون سوی گردون — ز بیداد زمین شد عدل بیرون

تاریخ رحلت حضرت عباس رضی اللہ عنہ

۳۲ھ	برون گشت عباس قدسی صفات		چو از تنگنای سرای بدا…
	بتاریخ رحیل او گفت دل	ایضاً	برون گشت روح مقدس ز…
	بسالِ نقل عباس معظم		برآمد آہ از ابدال گفتم

تاریخ رحلت حضرت عثمان ذی النورین رضی اللہ عنہ

۳۵ھ	کرد رحلت سوی فردوس برین		حضرت عثمان ذی النورین…
	گفت در تاریخ نقلش ہاتفے	ایضاً	اہل دین بیرون شد از دنیای دو…
کہیعص	در سنِ وصل حضرتِ عثمان		کاف ہا یا و عین و صاد بخوان
	از عمر عین و صاد از صدیق		طرح فرمای در حساب از آن
	بعد از آن کاف و ہا و یا بہ زبیر		بشمر ای ہمنشین قاعدہ دان
	سال وصل خلیفۂ ثالث		بر تو گردد ازین سہ حرف عیان

تاریخ رحلت حضرت امیر المومنین علی کرم اللہ وجہہ

۴۰ھ	چو از جلوہ گاہِ جہان شد نہان		فروغ جمال علی و…
	فلک گفت سال رحیلش بمن		کہ خالی شدہ جلوہ گاہ از ع…
	از زمانہ چو شیر یزدان شد	ایضاً	گفت ہاتف اسد ز میدان شد
	چو پرسیدم از سال فوتِ علی	ایضاً	ز حسرت برون آمد آہ از…

تاریخ رحلت حضرت امام حسن رضی اللہ عنہ

۵۰ھ	واحسرتا کہ سید مسموم شد شہید		گشتند عالمی بغمش مرثیہ سرای
	ای ہی دلم چرا نشود خون کہ شاہ را		صد پارہ شد دل از اثر زہر جان گزای
	جستم ز سالِ تعزیت شاہ چون نشان		گفتا دل ستم زدہ ام وای وای ہای
	چو مسموم شد آن امامِ زمن	ایضاً	فلک گفت گرد ید بی حسین…

تاریخ شهادت سید الشهدا امام حسین رضی الله عنه

سنه ۶۰ه

چو در کربلا از ستم کشته شد
بدشت بلا عابد بے نوا شد
دلم گفت تاریخ ماتم که چرخ
ستم جو سال تعزیت شاه کربلا
امام شکش چو گشته شهید

ایضاً

جگر گوشهٔ شاه بدر و حنین
جدا از پدر ماند با اشک عین
جدا کرد سجاد را از حسین

ایضاً

ای وای های های رسید از فلک ندا
ز روی ستم گشت بسالش پدید

تاریخ مرگ یزید پلید

سنه ۶۴ه

شد ز دنیا یزید شیطان خوی
سال مرگش ز لفظ جالی جوی

تاریخ رحلت امام زین العابدین رضی الله عنه

سنه ۹۵ه

امام وقت زین العابدین
چون آزاده از دنیای دون
از رحیل جناب پاک او
بدکه بدرگاه خدا بود مقرب

ایضاً

شد ز دنیا سوی فردوس برین
پای بند عشق رب العالمین
عابد آزاده آمد بالیقین
چون شد بجنان گفت ملک سید طیب

تاریخ رحلت عمر بن عبد العزیز رحمه الله تعالی

سنه ۱۰۱ه

معلی نسب ابن عبد العزیز
یا دین بود عالی از ان
سال وصل آن شه قدسی نشیم

ایضاً

چو شد سوی اوج جنان رهگرا
شده سال نقلش عیان از علا
چون بجستم از پای رگ یافتم

تاریخ رحلت حضرت خواجه حسن بصری رحمه الله تعالی

سنه ۱۱۰ه

رسی گرا عفد او لفظ علی
سال ترحیل آن ولی زمان

ایضاً

شود سال نقل حسن منجلی
گفت هاتف ولی دین برخوان

تاریخ رحلت امام محمد باقر رضی الله عنه

سنه ۱۱۴ه شد ز دنیا محمد باقر
دل غمگین شد حسرت مسکین
سن وصل باقر امام زمان

ایضاً

حیف افسوس آن امام همام
گفت تاریخ های های امام
دلم یافت اینک تاج جنان ۱۱۴ه

تاریخ رحلت حضرت خواجه حبیب عجمی رحمة الله تعالی

سنه ۱۲۰ه خواجهٔ پاکدل حبیب عجم
نقل فرمود سوی عالم قدس
سال نقلش بجوی گر خواهی

عابد و عارف خدا آگـ
بهر وصل حق آن ولی الـ
از حبیب زمان و عالیجا ۱۲۰ه ۱۲۰ه

تاریخ رحلت امام جعفر صادق رضی الله عنه

سنه ۱۴۹ه امام بحق جعفر پاکباز
چو گشته بفردوس اعلی مکین
بگفته تاریخ ز سال ماتم

ایضاً

که ناطق بحق بود و صادق بدان
دلم گفت تاریخ والا مکان ۱۴۹ه
های ای سید امجد گفتم ۱۴۹ه

تاریخ رحلت حضرت امام اعظم ابو حنیفه کوفی رحمه الله

سنه ۱۵۰ه آن امام اعظم کوفی که بود
از پی وصل حبیب کردگار
در فراق آن امام دین پناه
ماتم دین بود در هجرش از آن
سال ترحیل حضرت نعمان

ایضاً

تکیه گاه و حامی دین مبین
کرد چون رحلت سوی خلد برین
اهل دین گشتند غمناک و حزین
سال وصلش یافتم از سوگ دین ۱۵۰ه
گفت هاتف بجوز ماه جنان ۱۵۰ه

تاریخ رحلت امام مالک رحمه الله

سنه ۱۷۹ه امام مالک آن شیخ زمانه
چو جام عمر او لبریز گشته
پی تاریخ ترحیلش ز گردون

که بوده رهنمای دین ما لک
بحکم کل من فی الدهر هالک
ملک گفتا حبیب الله مالک ۱۷۹ه

تاریخ رحلت امام ابو یوسف رحمه الله

سنه ۱۸۲ه

ابو یوسف آن زیب علم و عمل — فقیه معظم امام اجل
شد آزاد از قید این آب و گل — چو آمد گرفتار دست اجل
سعید ازل بود بیشک از آن — شده سال فوتش سعید ازل ۱۸۲ه

تاریخ رحلت امام موسی کاظم رضی الله عنه

سنه ۱۸۳ه

شد چو کاظم بسوی خلد برین — یافتم سالش از امام امین ۱۸۳ه
هم سن فوت آن امام زمن — ظاهر آمد ز چاک دامن دین ۱۸۳ه
سال نقل آن امام دو جهان — هاتفی فرمود سیاح جنان ۱۸۳ه — ایضاً

تاریخ رحلت امام محمد رحمه الله

سنه ۱۸۶ه

شد امام فقیه از دنیا — سال فوتش بجوی از فقها ۱۸۶ه
گشت سال وصال شان واقع — در سن صوفی و نکو طالع ۱۸۶ه

تاریخ رحلت خلیفه هارون الرشید رحمه الله

سنه ۱۹۳ه

آن خلیفه که بود هارون نام — از بنی عم صاحب لولاک
ملک و مال و حشم بجای گذاشت — رفت تنها بسوی ایزد پاک
پی تاریخ رحلتش خواندم — والی قوم ۱۹۳ه و صاحب املاک ۱۹۳ه
در سن وصل شد فرخ پی — گفتم ای والی جهان دل هی هی ۱۹۳ه — ایضاً

تاریخ حضرت معروف کرخی رحمه الله

سنه ۲۰۰ه

حضرت معروف آن قطب زمان — سرگروه و پیشوای عارفان
شد بسوی خلد و سال رحلتش — گفت هاتف والی بزم جنان ۲۰۰
یافت فکرم باز تاریخ وصال — از حلیم الطبع ۲۰۰ و مصباح جهان ۲۰۰
گر ز سال رحلت معروف مجهولی نشان — ای محاسب از عبیر رحمت بیو باشد عیان ۲۰۰ه — ایضاً

تاریخ رحلت امام علی موسی رضا رضی الله عنه

سنه ۲۰۳ه

علی رضا رضی الله عنه غوثِ زمان
سفر بسوی جنان کرد و سال ترحیلش

ایضاً

امام پاک نهاد و محقق حق کوشش
امام پاک نهاد ازل بگفت سروش
۲۰۳ه

علی رضا نور چشم سیادت
سفر کرد زین عالم و خیمه زن شد
سن رحلتِ آن امام زمانه

ایضاً

امین امانت ز آل محمد
بجنت بشوق وصالِ محمد
عیان آمده از عیال محمد
۲۰۳ه

تاریخ رحلت امام شافعی رحمه الله

سنه ۲۰۴ه

امام شافعی کرد محکم
مهی بود از سپهر زهد و تقوی
بجنت چون ز فضلِ حق قرین شد
برای یادگارِ سالِ وصلش

اساس شرع و آئین محمد
فروغ رونق دین محمد
بقصد عز و تمکین محمد

نوشتم کوکبِ دین محمد
۲۰۴ه

ایضاً

امامِ شافعی آن عمدۀ دین
که بوده گنج علم و مقبل لاریب
بسالِ رحلتِ آن مخزن فیض
کلید علم گفتا هاتفِ غیب
۲۰۴ه

ایضاً

شافعی شد بخلد بالتحقیق
یافتم سال نقلش از صدیق
۲۰۴ه

تاریخ رحلت خلیفه مامون عباسی

سنه ۲۱۸ه

مرد مامون خلیفۀ عادل
آه صد آه وای هی افسوس

ایضاً

سال تاریخ این غم جانکاه
هاتف غیب گفت ای افسوس
۲۱۸ه

ایضاً

شد چو مامون سوی فردوس برین
مرحبا گفتند او را قدسیان

من چو سال رحلتش را خواستم
گفت رضوان ملتجا زجنان
۲۱۸ه

ایضاً

شد ز دنیا خلیفۀ عادل
گشته با رحمت خدا واصل
سال وصلش نوشت خامۀ من
سند عدل و واصلِ کامل
۲۱۸ه ۲۱۸ه

تاریخ رحلت امام محمد تقی رضی الله عنه

سنه ۲۲۰ھ خورشید سپهر شرف و جاه و سیادت — آن شاه فلک رتبه تقی سید والا
چون رونق فردوس برین گشت عیان شد — تاریخ وصالش زمه عالم بالا ۲۲۰ھ

ایضاً

شد امام تقی چو سوی جنان — با اب و جد خویش یافت وصال
سال ترحیل آن نکو طالع — شد پدیدار از بلند اقبال ۲۲۰ھ

ایضاً

چو شد امام محمد تقی بخلد برین — بگفت هاتف غیبی امام سید دین ۲۲۰ھ

تاریخ رحلت ابو الولید احمد رحمه الله

سنه ۲۳۲ھ چو شد بلطف پیمبر ابو الولید احمد — قرین فضل خدا و مکین خلد نعیم
بیادگار سن رحلتش بدین دفتر — نمود انعمه الله خامه ام ترقیم ۲۳۲ھ

تاریخ رحلت خلیفه واثق بالله العباسی

سنه ۲۳۲ھ گشت چون واثق بلند مکان — واصل قرب حضرت رحمان
بهر تاریخ وصل او گفتا — هاتف غیب واصل جانان ۲۳۲ھ

تاریخ رحلت امام احمد حنبل رحمه الله

سنه ۲۴۱ھ رونق شرع احمد حنبل — راز دان مقید و مطلق
رفت سوی بهشت و سال وصال — دل من خواند آه واصل حق ۲۴۱ھ

ایضاً

امام احمد حنبل نکو خصال — رئیس فقیهان نیکو شیم
چو سوی ارم رفت آمد عیان — سن ارتحالش ز لفظ ارم ۲۴۱ھ

ایضاً

سال ترحیل آن امام هدا — هاتفی قبله جنان گفتا ۲۴۱ھ

ایضاً

سال وصال امام احمد جنت نشین — زیب ده بزم قدس گفت سپهر برین ۲۴۱ھ

ایضاً

شد سوی جنان شیخ زمان احمد خوشخو — سال سفر اوست پسندیده مینو ۲۴۱ھ

ایضاً

شد ز عالم احمد حنبل امام مقتدا — سال وصلش یافتم از احمد صاحب وفا ۲۴۱ھ

سال ترحیل احمد حنبل
باز تاریخ وصل او گفتا
عالم زنده دل آگه خوانی

ایضاً

صاحب علم گفت هاتف غیب ۲۴۱ھ
سند دین احمدی لاریب ۲۴۱ھ
سال وصلش عیان شود بی‌عیب

تاریخ حضرت ابوالفیض ذوالنون رحمه الله

۲۴۵ھ گشت ذوالنون وارث خلد برین
بهر سال رحلت آن قطب دین
سن ترحیل ذوالنون نکوکار

ایضاً

حبذا آن شیخ دین قطب زمان
گفت هاتف مالک بزم جنان ۲۴۵ھ
زمرد و مرد ے گروه بیدار ۲۴۵ھ

تاریخ خلیفه مستنصر بالله العباسی رح

۲۴۸ھ کرد رحلت خلیفه مستنصر
بر مزارش که هست پر انوار
یافتم در شنای بی کم و کاست
بود چون مستنصر والاصفات
از پی تاریخ سن رحلتش
باز جو جستم سن ترحیل او
مرد مستنصر امیرالمؤمنین

ایضاً

زین جهان سوی کردگار جلیل
رحمت حق همیشه باد نزیل
سال ترحیلش از مزار و رحیل ۲۴۸ھ

عادل و صالح شه‌ها دادو دین
گفت فلک دادده مسلمین ۲۴۸ھ

ایضاً

بی شبه دریافتم از فقد دین ۲۴۸ھ
گشت تاریخش عزیز ملک دین ۲۴۸ھ

تاریخ حضرت محمد اسمعیل محدث بخاری رحمه الله

۲۵۶ھ آن بخاری محدث نامی
سند العلم بود زان آمد

ایضاً

صاحب شرع و زهد و علم و حلم
سال فوتش دلیل اهل علم

امین علم محدث محمد اسماعیل
بجلد رفت و بشر گشته تعزیت خوانش
رونق شرع بخاری شده از دار فنا

ایضاً

خزینه دار حدیث و محقق قرآن
تو سال رحلت او در عزای انسان دان ۲۵۰ھ
گشت پیدا سن وصلش ز اعز العلما ۲۵۰ھ

تاریخ رحلت حضرت سری سقطی رحمۃ اللہ

سنہ ۲۵۳ھ	امین و خازن اسرار سری		کہ صدرش بود از راز ازل گنج
	جہان را رنج شد در ماتمِ او		شدہ سال وصالش ظاہر از رنج ۲۵۳ھ
	چو بر خورد سری ز وصل حبیب	ایضاً	ملک از فلک گفت صاحب نصیب ۲۵۳ھ
	شدہ سال سفرِ سریِ فرخندہ مکان	ایضاً	قبلۂ اہل عطا و سبب امن و امان ۲۵۳ھ
	تاریخ وصل سری فرخندہ دودمان	ایضاً	از زیر عرش گفت ملک لامکان مکان ۲۵۳ھ

تاریخ رحلت حضرت امام علی نقی رحمہ اللہ

سنہ ۲۵۵ھ	رہنمای حق امام دین نقی		سیدِ عالی حسب والا نسب
	کرد چون پیراہن ہستی قبا		خلعت رحمت بدو بخشید رب
	سال وصل سید والا نژاد		گفت ہاتف سید والا حسب ۲۵۵ھ
	امام دین نقی سوی جنان شد	ایضاً	بتاریخش نقی الدین عیان شد ۲۵۵ھ

تاریخ امام حسن عسکری رحمہ اللہ

سنہ ۲۶۱ھ	امام عسکری کانِ نکوئے		نکو روی و نکو خوی و نکو دل
	چو رخت خویش زین بزمِ جہان بست		ببامِ مشتری آراست محفل
	پی تاریخ آن ماہِ سعادت		دبیر چرخ گفتا سعید منزل ۲۶۱ھ
	سیدِ عالم امامِ عسکرے	ایضاً	چون شدہ از قید ہستی رستگار
	سال وصل آن امامِ دین پناہ		از امام مطلق آمد آشکار ۲۶۱ھ

تاریخ حضرت عبداللہ ابو مسلم محدث رحمہ اللہ

۲۶۱ھ	زیب اسلام امام ابو مسلم		شد چو رونق فزای خلد برین
	گفت مدحت امام ابو مسلم ۲۶۱ھ		سال شنقار آن امام امین
	شد بگرداب اجل بو مسلمِ فرخ عمل	ایضاً	آمدہ تاریخ فوتش نیم ز گرداب اجل ۲۶۱ھ

محرم سر کمال معنی علم حدیث — آن ابومسلم که بوده اکرم اهل زمان
ایضاً
در تلاش سال ترحیلش چو گشتم یک بیک — یافتم من در کمال معنی و اکرم نشان
۲۶۱ه ۲۶۱ه

تاریخ رحلت حضرت ابراهیم ادهم رحمه الله

سنه ۲۶۶ه

بود ابراهیم ادهم مظهر لطف خدا — صاحب جسم لطیف و روح انور بیگمان
کرد چون پرواز روحش زین کدورتگاه خاک — والی ملک لطائف گشت تاریخش عیان
۲۶۶ه

ایضاً
آن والی ملک بلخ کز فقر — مخدوم گدا و شاه آمد
بگذاشت شهی و شد شهنشاه — اقبال چو پیش راه آمد
تاریخ وصال آن شه دین — سلطان جهان پناه آمد
۲۶۶ه

ایضاً
شه بلخ قطب بلندشان چو شده بسوی ارم روان — شده زیب انجمن جهان سن وصل شاه ارم مکان
۲۶۶ه

تاریخ المعتمد بالله یکی از خلفای عباسی رحمه الله

سنه ۲۷۹ه

در سن فوت معتمد بالله — رنج و غم را او فور و انبوه ست
بسال فوت خلیفه مرحوم — دردناک و هزار اندوه ست
۲۷۹ه ۲۷۹ه

تاریخ رحلت حضرت جنید بغدادی رحمه الله

سنه ۲۹۷ه

رئیس همه اولیای زمان — جنید نکو ذات و روشن روان
چو آمد بجنت بتاریخ آن — بگو صاحب عز و جاه جهان
۲۹۷ه

ایضاً
شیخ زمانه قطب فلک پایگه جنید — در منزل بهشت شد از فضل حق مکین
جوئی اگر ز سال وصالش نشان بجوی — از منزل نعیم و هم از واصل یقین
۲۹۷ه ۲۹۷ه

ایضاً باختلاف روایت

سنه ۳۰۲ه

جنید آن سرگروه اهل عرفان — که بر ملک ولایت داشت شاهی
شده تاریخ وصلش آشکارا — ز قرب و قرب و از نور الهی
۳۰۲ه ۳۰۲ه ۳۰۲ه

تاریخ رحلت حضرت منصور حلاج رحمه الله

سنه ۳۰۹ھ

چو منصور حلاج از راه ذار — ز دارِ فنا شد بدارِ جنان

سن وصل آن محو عشق خدا — ز دارِ جنان گشت اینک عیان

ایضاً

حق پرست و فدای حق منصور — فانی عشق و محو ذات اِلٰه

شد ز دار فنا و تاریخش — گفت هاتف زهی فنا فی اللّٰه

تاریخ رحلت حضرت ابوبکر شبلی رحمہ اللّٰہ

سنه ۳۴۲ھ

چو شد شبلی بقرب حضرت رب — بتاریخش فلک گفتا مقرب

ایضاً

حضرتِ بوبکر شبلی قطب دین — زین جهان چون شد سوی باغ جنان

سال وصل آن ولیِ حق دلم — گفت عز اولیا مینو مکان

تاریخ رحلت حضرت ابوسعید ابوالخیر رح

سنه ۴۴۰ھ

چون رفت بوسعید ابوالخیر در جنان — مقبول بارگه شده تاریخ سال آن

ایضاً

آن ابوالخیر بوسعید که بود — در جماعات اولیا ممتاز

گفت تاریخ رحلتش مدحت — واصل حق ولی بنده نواز

ایضاً

بسوی خلد شد بوالخیر ذی شان — سن وصلش بجوی از قطب مردان

ایضاً

سنِ رحلت بوسعید کریم — شده آشکارا ز دار النعیم

تاریخ وفات حکیم ابوالقاسم فردوسی رحمہ اللّٰہ

سنه ۴۱۱ھ

چو شد فردوسی اندر خلد اعظم — ارم مسکن بتاریخش نوشتم

ایضاً

در غم فردوسی شیرین سخن — قدر دانان را بود افسوس و حیف

سال مرگِ آن حکیم پاک زاد — گفت مدحت آه صد افسوس و حیف

ایضاً

بسال نقل ابوالقاسم خجسته شیم — حکیم پاک فصیح الکلام گفت دلم

تاریخ وفات سلطان محمود غزنوی رحمہ اللّٰہ

سنه ۴۲۱ھ

رفت چون سلطان محمود از جهان — کرد جای خویش در باغ نعیم

	بود سلطان کرم پرور از آن		سال وصلش گشت سلطان کریم
	بهر تاریخ آن شه ذی هوش	ایضاً	های محمود شاه گفت سروش
	شاه محمود غزنوی کو بود	ایضاً	ماحیِ کفر و حامیِ اسلام
	غازی بت شکن شهِ عادل		یافت جنت ز حق چو در انعام
	گفت تاریخ رحلتش مدحت		واصل حق مجاهد اسلام

تاریخ رحلت حضرت ابو الحسن خرقانی رحمه الله

سنہ ٤٢٥ھ	واصل راه نما بو الحسن خرقانی		آنکه بودند بخدمتگریش جن و ملک
	رفت چون سوی جنان سال وصالش بمحبت		واصل راه نما گفت سروشی ز فلک ٤٢٥ھ
	شد بو الحسن بنزم جنان همدمِ خلیل	ایضاً	تاریخ وصل اوست ولا عارف جلیل ٤٢٥ھ

تاریخ وفات حکیم بو علی سینا

سنہ ٤٢٨ھ	چو آن فیلسوف زمان بو علی		ز دستِ اجل جان سلامت نبرد
	بتاریخ فوتش بمن گفت دوش		ملک از فلک جان بجانان سپرد ٤٢٨ھ
	چو شد از جهان آن طبیب علیم	ایضاً	فلک گفت نامی محقق حکیم ٤٢٨ھ

تاریخ وفات ملک الشعرا عنصری رحمه الله

سنہ ٤٣١ھ	آن افصح دهر عنصر جسم سخن		کو بست کتاب شعر را شیرازه
	تاریخ وصال او سخن سنجی گفت		علامه افصح بلند آوازه ٤٣١ھ
	عنصری شاعر یکتای زمان شد ز جهان	ایضاً	لفظ یکتا ز سن رحلت او داد نشان ٤٣١ھ
	بهر سال نقل آن فخرِ فصاحت گستری	ایضاً	شد برون تاریخ چون کردم ندا یا عنصری ٤٣١ھ

تاریخ وفات حضرت عبد الله انصاری هروی رحمه الله

سنہ ٤٨١ھ	خواجه عبد الله انصاری امامِ عارفان		عاشق رب سالکِ دین مطیع حق زجان
	بهر تاریخِ وصالش در خیالم شد پدید		عاشقی و هم اطاعت هم طریق سالکان ٤٨١ھ ٤٨١ھ ٤٨١ھ

مشعر سال وصالش باز در گوشم بدلم | ایضاً | ہادی عارف بحق گفتہ سروش نکتہ دان ۱۰۹۰ھ
سن ترحیل آن شیخ خوش اختر | | ز روز روصل عبد اللہ شمر ۱۰۹۰ھ
چو خواجہ عبد اللہ نکو خوروان سوی روضۂ جنان شد | ایضاً | مقرب الحق سن وصالش ز طبع تاریخ دان عیان شد ۱۰۹۰ھ

تاریخ رحلت حجۃ الاسلام امام محمد غزالی رحمۃ اللہ

سنہ ۵۰۵ھ
امام مجتہد العصر حجۃ الاسلام | | کہ بود عارف علامہ و فرشتہ خصال
بیادگاری تاریخ خامہ مدحت | | امام ہادی فیضان نوشت سال وصال ۵۰۵ھ
پی تاریخ آن شیخ نکوکار | ایضاً | سروش غیب گفتا نیک کردار ۵۰۵ھ
سن وصال امام معزز الالقاب | ایضاً | امام صالح مرحوم یافتم بحساب ۵۰۵ھ

سنہ ۵۱۷ھ
تاریخ رحلت امام احمد غزالی رحمۃ اللہ علیہ

چو احمد گشت محو نور لاہوت | | سن وصلش مؤید اشارۂ سرت ۵۱۷ھ

تاریخ وفات حضرت خواجہ مودود چشتی رحمۃ اللہ علیہ

سنہ ۵۲۷ھ
خواجۂ دین حضرت مودود چون | | یافت کام دل بفردوس برین
سال وصل آن ولی دین پناہ | | کامیاب جنت آمد بالیقین ۵۲۷ھ
امام عارفان مودود چشتی | ایضاً | کہ از طفلی بطاعت بود عادی
چو جستم سال ترحیلش دلم گفت | | شد از دنیای دون مودود ہادی ۵۲۷ھ

تاریخ رحلت حکیم سنائی غزنوی رح

سنہ ۵۳۵
وحید العصر مولانا سنائی | | کہ شمعی بود از نور کرامت
سعادت یاب شد از رحمت حق | | بجو تاریخ وصلش از سعادت ۵۳۵ھ
آن سنائی عارف روشن ضمیر | ایضاً | یافت چون مغفور در عالم لقب
گفت تاریخ وصال او دلم | | واصل حق عابد عالی نسب ۵۳۵ھ

تاریخ رحلت حضرت محبوب سبحانی غوث الاعظم شیخ عبد القادر جیلانی رح

سنہ ۵۶۱ھ

غوثِ اعظم قطب اکرم پیشوای اولیا		مایۂ نازِ ولایت فخر ارشاد وهدا
از پی تاریخ سال وصل آن قدسی جناب	ایضاً	مایۂ نازِ ولایت آمد از گردون ندا ۵۶۱ھ
ولی حق اشرفِ اولیا		چو گردید از اهل گیتی جدا
سن وصل آن شاه عالی تبار	ایضاً	عیان شد ز هجر شهِ اولیا ۵۶۱ھ
غوث اقطاب چو فرمود ز دنیا رحلت		گفت تاریخ دلم اسوۂ اهل جنت ۵۶۱ھ
جنابِ غوث معظم الشان چو شد روان سوی خلد اعظم	ایضاً	مدام رونق ده جنان باد بهر تاریخ نقل گفتم ۵۶۱ھ

تاریخ وفات حضرت شهاب الدین مقتول رحمہ اللہ

سنہ ۵۸۶ھ

ولی حضرت داور شهاب دین مقتول		چو جان سپرد و بسود ای حبیب رب جلیل
سنِ وصال ز مقتول حق برون شد و هم	ایضاً	قتیل حب اللہ آمد و ولی قتیل ۵۸۶ھ
بهالِ شرحیل شهاب الدین مقبول خدا		هالک و اصل شهاب الدین گفتم بر بلا ۵۸۶ھ

تاریخ وفات حضرت نظامی گنجوی رح

سنہ ۵۹۰ھ

نظامی شهِ شاعرانِ جهان		که شعر و سخن را بدو هست ناز
چو شد سوی فردوس تاریخ آن	ایضاً	دلم گفت جنت مکان پاکباز ۵۹۰ھ
سال شمارِ نظامی صوفیِ صافی بیان		عارف معصوم گوی و شاعر آگه نجوان ۵۹۰ھ ۵۹۰ھ

تاریخ وفات امام فخر الدین رازی

سنہ ۶۰۶ھ

فخر دین رازی امام عارفان		هادی علام والا پایگاه
گفت تاریخ وصالِ او دلم		عابد هادی ارم آرامگاه ۶۰۶ھ
باز تاریخ وصالش یافتم		از امام عارفانِ دین پناه ۶۰۶ھ
رفت علامہ رازی چو سوی خلد برین	ایضاً	آمد از غیب ندا مومن فردوس مکین ۶۰۶ھ

تاریخ وفات حضرت فرید الدین عطار رحمہ اللہ

فرد اقطاب حضرتِ عطار		شد بقرب خدا بخلد قرین

سال شنفتار او دل مدحت سال وصل فرید قطب زمان	ایضاً	گفت واصل بحق فریدالدین ۶۲۶ه عارف حق ولی سبحان دان ۶۲۶ه

تاریخ وفات حضرت شیخ الشیوخ شہاب الدین سہروردی رحمۃ اللہ

چون شیخ شیوخ سہروردی تاریخ وصال او دلم گفت وصل شیخ سہروردآن کاشف اسرار دین	ایضاً	شد واصل حق بباغ رضوان شد سوی جنان ولی ایمان ۶۳۲ه گشت واقع بالیقین درسال اسرار یقین ۶۳۲ه

تاریخ رحلت خواجۂ خواجگان خواجہ معین الدین چشتی رحمۃ اللہ

فخر دیار خواجۂ اجمیر قطب حق واصل بحق شد و شده تاریخش آشکار خواجۂ اجمیر شاہ اولیا شد بباب خلد تاریخش رقم	ایضاً	کز ذات او فزون شده عز و علای ہند از عہده وصال شہ اولیای ہند ۶۳۳ه شد بخلد از وصل یزدان کامیاب سرگروه اولیا والاحباب ۶۳۳ه
سال وصل خواجہ اجمیر فخر الاتقیا	ایضاً	گفت ہاتف واصل فردوس عز الاولیا ۶۳۳

تاریخ رحلت حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی رحمۃ اللہ

آن قطب زمان چو رخت ہستی در باغ ابد بہار فردوس تاریخ وصال او عیان شد	ایضاً	بربست ازین سرای فانی آمد بنشاط کامرانی از ملک عیش جاودانی ۶۳۳
قطب [illegible] که بود در عالم بنعمت تاریخ وصل او برخوان	ایضاً	[illegible] عارفان والاجاه قطب الاقطاب عارف آگاه ۶۳۳ه
خوان بسال وصل آن قطب آله	ایضاً	[illegible] قطب [illegible] پناه

تاریخ شیخ الاکبر حضرت محی الدین بن العربی رحمۃ اللہ

سنه ۶۳۸ھ	این سر علوم خفی محی الدین		که بوذ عارف و علامهٔ فصیح بیان
	چو گشت واصل فردوس سال ترحیلش		محی دین پیمبر امام افصح والی ۶۳۸ھ
	شیخ اکبر رفت از دنیای دون سوی جنان	ایضاً	زیب عالم واصل فردوس تاریخش بخوان ۶۳۸ھ
	شیخ اکبر چو بعیش سرمد	ایضاً	گشت واصل بجناب داور
	خواند تاریخ وصالش دل من		جلوهٔ اوج نشاط اکبر ۶۳۸ھ

تاریخ وفات علی لالا رحمه الله

سنه ۶۴۳ھ	محبوب جهان علے لالا		آن عاشق زار حق تعالا
	تاریخ وصال او دل من		جان داد بعشق حق بگفتا ۶۴۳ھ

تاریخ رحلت حضرت شمس الدین تبریزی

سنه ۶۴۵ھ	می شد چو شمس عرفان شمس تبریز		که بوذه ساقی جام معانی
	چو شد پیمانهٔ عمر شمس لبالب		ازین خمخانهٔ ویران و فانی
	ز صهبای وصال حی سبحان		شده سرمست عیش جاودانی
	دل شوریده ام تاریخ وصلش		برون کرد از شراب زندگانی ۶۴۵ھ
	شمس تبریز آن ولی دین پناه	ایضاً	پادشاه عارفان نکته رس
	واصل حق گشت و تاریخ وصال		هاتفی گفتا شه عیسی نفس ۶۴۵ھ
	بهر تاریخ آن نکو اسلوب	ایضاً	گفت دل شمس واصل المطلوب ۶۴۵ھ

تاریخ رحلت حضرت فریدالدین شکر گنج رحمه الله

سنه ۶۶۴ھ	شد بحکم قضا چو گنج شکر		با تن پاک عارج فردوس
	سال ترحیل آن فرید الدهر		یافتم از معارج فردوس ۶۶۴ھ
	سال شنقار آن فلک رتبت	ایضاً	دل من گفت وارد جنت ۶۶۴ھ
	دریافت وصل آن مه اوج فلاح	ایضاً	تاریخ پیشوای ارباب صلاح ۶۶۴ھ

سنه ۶۶۴ھ

بسال نقل آن فرخنده سامان — ایضاً — مبارک پلی فرید الدین بر خوان

بسال ماتم آن قطب عالم — ایضاً — سروشی گفت سال سوگ و ماتم

تاریخ رحلت حضرت بهاء الدین زکریا رحمه الله

سنه ۶۶۶ھ

ولی سخن فهم آگاه حق — که بوده خبر دار سر قدیم

چو سوی جنان رفت گفتا دلم — بسوی جنان شد ولی فهیم

ایضاً

سال وصل بهاء دین زاهد — یافتم من ز رحمت واحد

تاریخ رحلت حضرت مولانا جلال الدین رومی رحمه الله

سنه ۶۷۲ھ

علامهٔ روم شد بجنت — گردید ز قرب حق مکرم

تاریخ وصال او دلم گفت — شد سوی جنان ولی عالم

ایضاً

واصل قرب حق جلال الدین — گشت فائز به نعمت ابدی

سال شد قار آن ولی جلیل — بشد هویدا ز رحمت احدی

ایضاً

بهر تاریخ وصل آن مه دین — صاحب شرع خواند روح امین

تاریخ رحلت شیخ حمید الدین ناگوری رح

سنه ۶۷۳ھ

آن حمید الدین که در احیای دین — بود از تن جان عالم بیگمان

واصل حق گشت و شد تاریخ وصل — رونق افزای جنان جان جهان

ایضاً

حمید الدین محمود دو عالم — بجنت چون ز فیض رحمت آمد

سن ترحیل آن شیخ نکوکار — حمید الدین حمید جنت آمد

تاریخ رحلت قاضی ناصر الدین صاحب تفسیر بیضاوی رح

سنه ۶۹۱ھ

قاضی بیضا چو در ایوان خلد — با هزاران عز و تمکین آمده

گفت رضوان بهر تاریخ وصال — ناصر الدین عالم دین آمده

ایضاً

چون رفعت زد دهر ناصر الدین ناگاه — گشتند بماتمش ز ماهی تا ماه

	تاریخ وصال گفت ماتم زده		ای وای مفسر گرامی آه آه ۶۹۱ھ

تاریخ رحلت حضرت مصلح الدین سعدی شیرازی رحمه الله

سنه ۶۹۱ھ	در خلد یافت بلبل شیراز آشیان		آمد بباغ دهر بهجرش خزان غم
	جستم چو سال رحلت آن بلبل جنان		رضوان ز خلد گفت گل گلشن ارم ۶۹۱ھ
	سال وصل سعدی شیرین زبان	ایضاً	عارف حق وصل جانان بخوان ۶۹۱ھ
	پیشوای شعرا رفت چو از دار فنا	ایضاً	یافتم سال وصالش ز مطاع شعرا ۶۹۱ھ
	در بندگی خدا چو جان داد	ایضاً	سعدی بجنان مکان بیاراست
	تاریخ وصال شیخ عابد		از بندگی خدا هویداست ۶۹۱ھ

تاریخ رحلت ابو علی شاه شرف الدین قلندر رحمه الله

سنه ۷۲۴ھ	آئینهٔ انوار خدا شیخ قلندر		روشن دل و صافی گهر و پاک سریرت
	زیدند عیان چهره تاریخ وصالش		صاحب نظران جمله ز آئینهٔ رحمت ۷۲۴ھ
	سال وصل فرقان همت است	ایضاً	زیب مینو شرف ایجاد دست ۷۲۴
	با وج جنت شرف فرا شد چو بو علی عارف نکو خو	ایضاً	دلم بتاریخ وصل گفتا شرف ده اوج زیب مینو ۷۲۴ھ

تاریخ رحلت حضرت نظام الدین اولیا رحمه الله

سنه ۷۲۵ھ	عارف ناصح نظام الاولیا قطب زمان		جو ی سال رحلتش از نام هندوستان ۷۲۵ھ
	باز بپرسی اگر از سال تاریخ وصال		امجد اقطاب جنت هادی کامل بخوان ۷۲۵ھ
	سن رحلت آن ولی زمان	ایضاً	بخوان قطب ابدال هندوستان ۷۲۵ھ

تاریخ رحلت حضرت امیر خسرو رحمة الله علیه

سنه ۷۲۵ھ	رفت از این دار فنا سوی خلد		عارف دین خسرو نیکو شیم
	گفت بتاریخ وصالش دلم		صاحب اسلام امیر ارم ۷۲۵ھ
	هر تاریخ وصال خسرو ملک هدا	ایضاً	عارف حق واصل الهی آمد از گردون ندا ۷۲۵ھ

سال وصلِ حسنبر عالی نسب — ایضاً — واصل الحق عارفِ والاحسب

سال وصلِ آن امیرِ شاعرانِ کامیاب — ایضاً — از وصالِ شاعرِ آگاه یابی در حساب

تاریخ رحلت حضرت امام یافعی قطب مکه رح

۷۶۸ه

قطب مکه چو زد ار فانی — آمده واصلِ خلدِ اعظم

سال ترحیل وی از روی حسنا — قطب دین واصل جنت گفتم

سال وصل آن امامِ روزگار — ایضاً — از امینِ خلد آمد آشکار

تاریخ وصل امجد اقطابِ روزگار — ایضاً — از امجدِ بهشت عیان ست و آشکار

تاریخ رحلت حضرت نصیرالدین چراغ دهلی رحمة الله علیه

۷۵۷ه

دولتِ عمرِ ابد چون یافت در دار القرار — آن نصیرالدین چراغ دهلی از فضلِ احد

بودم اندر جستجو ناگاه چون کردم حساب — ایضاً — سال وصلش یافتم از دولتِ عمرِ ابد

آن شمع دین که برگل رخسار روشنش — پروانه وار گشته فدا بلبل بهشت

بشگفت غنچهٔ دل مدحت چو یافته — تاریخ رحلتش سوی جنت گل بهشت

گشت تاریخِ وصالِ قطبِ عرفان دائره — ایضاً — شمع محراب بلندی شمع بزم باصره

[illegible]

تاریخ رحلت حضرت مخدوم جهانیان جهان گشت شاه جلال بخاری

۷۸۵ه

جلال بخاری مه اوج دین — که بود دست مخدوم اهلِ جهان

پی سال ترحیل آن قطب حق — بخوان ماه دین قطب جنت مکان

بسوی جنان شد ولی خدا — ایضاً — بتاریخ گفتم صفی خدا

چو جستم ز تاریخ وصلش نشان — ایضاً — فلک گفت مخدوم اهلِ جهان

[illegible]

تاریخ رحلت حضرت خواجه حافظ شمس الدین محمد شیرازی

۷۹۱ه

حافظِ نامدار شمس الدین — گشت چون داخل بهشت برین

بهر سالِ وصالِ آن ذی جاه — گفت دل نامدار شمس الدین

زمرگ حافظ خوشخوب خوشخوان	ایضاً	ولا تاریخ جوی از مشق قرآن ۷۹۱ھ
گفت دل تاریخ وصل شمس دین	ایضاً	زیب عالم زیب فردوس برین ۷۹۱ھ
سال ترحیل حافظ خوشخوان	ایضاً	شد هویدا از دولت قرآن ۷۹۱ھ
باز تاریخ گفت غمزده		حیف هی های قاری قرآن ۷۹۱
امین علم شمس الدین محمد	ایضاً	چو در دستش کلید جنت آمد
پی تاریخ رحلت گفت هاتف		کلید علم شمس الدین محمد ۷۹۱
بجو تاریخ آن علامهٔ دین	ایضاً	زعلم دین شمس الدین محمد ۷۹۱
بتاریخ وصالش باز گفتم		کفیل دین شمس الدین محمد ۷۹۱
بهر تاریخ وصال حافظ غیب اللسان	ایضاً	گفت روح القدس آه ای عالم شیرین بیان ۷۹۱ھ

۷۹۱ھ

تاریخ رحلت سید الطریقه حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند رح

زدنیا چو شد خواجهٔ نقشبند		بشد تکیه خلد بالای حق
بتاریخ ترحیل آن شیخ دین		بگفتا دلم خواجه سجاد حق ۷۹۱
رفت چون شیخ خلد اعظم	ایضاً	والی دولت سرمد گفتم ۷۹۱ھ
زفیض مقدم غوث زمان بهاء الدین	ایضاً	فزود رونق جاه و جلال اوج بهشت
بسال رحلت آن فخر عارفان جهان		بگفت ملهم غیبی جمال اوج بهشت ۷۹۱ھ
چون بهاء الدین بصدر بزم جنت شد مکین	ایضاً	گفت هاتف قطب زیب بزم فردوس برین ۷۹۱ھ

تاریخ رحلت خسرو صاحب قران حضرت امیر تیمور گورکانی

باقبال نکو بسوی جنان	چو شد شاه تیمور صاحب قران
بتاریخ شمغار او گفت دل	بشد شاه وهاج سوی جنان
اگر رازی سی زتاریخ او	بخوان شاه امجد صاحب قران
سن رحلتش از شهنشاه قوم	اگر بشمری نغمه گرد و عیان

سال وصل آن امیر نامدار ایضاً آمد از اعداد صاحب اقتدار

تاریخ رحلت حضرت شیخ محمد مغربی رحمه الله

سنہ ۸۲۰ھ

قطب عالم یعنی شیخ مغربی کرد چون در روضهٔ رضوان مقام

گفت مدحت بهر سال رحلتش قطب نیکان وارد دار السلام ۸۲۰

ایضاً

شیخ مغرب چو بجنت آمد گفت دل واصل رحمت آمد ۸۲۰

صوفی خلد و نکونام خلد ۸۲۰ در شمار سن رحلت آمد

ایضاً

شد شیخ چو فائز بوصال چمن خلد ۸۲۰ فرمود فلک زیب جمال چمن خلد ۸۲۰

فوز چمن خلد و نزول چمن خلد ۸۲۰ داده خبر از سال وصال چمن خلد

تاریخ رحلت حضرت شاه بنده نواز سید محمد چشتی گیسو دراز رح

سنہ ۸۲۵ھ

یافت تاریخ وصال آن شه بنده نواز دل ز هجر واصل حق قسید گیسو دراز ۸۲۵

ایضا

سن رحلت سید اهل چشت فلک گفت بخوان فسیح بهشت ۸۲۵ھ

تاریخ رحلت حضرت خواجه حسن عطار رح

سنہ ۸۲۶ھ

ولی رهنما همنام شبیر سوی فردوس از دنیا روان شد

پی تاریخ نقاشش گفت مدحت ولی رهنما سوی جنان شد ۸۲۶

تاریخ رحلت حضرت بدیع الدین شاه مدار رح

سنہ ۸۴۰ھ

شاه مدار قطب زمانه بدیع دین جسم و جان بخالق و شد واصل بهشت

تاریخ وصل آن شه اقطاب روزگار فرمود هاتفی بدلم قابل بهشت ۸۴۰

ایضاً

هست سال وصل آن جنت مکان زیب فردوس برین قطب زمان ۸۴۰

تاریخ قدوم میمنت لزوم رئیس العارفین قطب الواصلین حضرت شاه جلال مجرد یمنی رحمه الله به شهر سلهٹ

سنه [illegible]ھ

چو از ملک عرب آن شاه اسلام	ق	که بوده همه کارش برکت و خیر
ملک خوبی شهی صاحب جلالی		که کردی مو کبش در لامکان سیر
بسلهت آمد از زور اسلام		رهاند این خطه را از فتنه غیر
بجای کفر روشن گشت اسلام		بنا شد مسجد اندر موقع دیر
چو آمد با صد خیر و برکت		بخوان سال قدومش موجب خیر
چو از قدومش یافت سلهت ضیا	ایضاً	عیان گشت سالش ز نور خدا
بسلهت چو از بهر احیای دین	ایضاً	ولی فلک اقتدار آمده
فلک گفت تاریخ سال قدوم		که مقبول پروردگار آمده

تاریخ رحلت جامع حسنات مولانا سید ابو عبد الله بن سلیمان الجزولی مصنف دلائل الخیرات

سنه ۸۷۰ھ

سن وصال آن قطب قدس الباطن		دلم یافت از عارف حق شناس

فقرهٔ تاریخی

زیب انجمن بهشت

رفت آن قطب زمان چون سوی باغ ارم	ایضاً	ساکن منزل قرب در باریت گفت دلم
شه عارفان قطب جنت مکان		چو فرمود رحلت بسوی جنان
بگفتا بتاریخ رحلت او		ملک از فلک شاه جنت مکان

تاریخ رحلت حضرت رئیس العارفین شاه جلال مجرد یمنی رحمة الله علیه

سنه [illegible]ھ

بسلهت سبز شد چون گشت اسلام		ز فیض آن ولی پاک مرتاض
شد او خود فیضیاب از وصل یزدان		بتاریخیکه دارد لفظ فیاض
حسرت افزای ارم آمد چون شاه جلال	ایضاً	احترام ارم آمد سن تاریخ وصال
بر رونق افزود جنان چون گشت آن غوث زمان	ایضاً	فیضیاب از صحبتش گشتند یکسر قدسیان

بهر تاریخ وصال آن مه اوج هدا — انجمن افروز جنت گفت رضوان جنان ۹۱۰ھ

ایضاً
سن وصل آن غوث قدسی سرشت — بجوی از جلال مکین بهشت ۹۱۰ھ

ایضاً
مقیم ارم شد چو آن ذو الکرم — شده سال آن مستقیم ارم ۹۱۰ھ

تاریخ رحلت حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار رحمة الله علیه

سنه ۸۹۶ خواجهٔ عارفان عبید الله — بود بیشک ولی کامل حق

سال وصلش ملک بگوش دلم — گفت خواجه ولی واصل حق ۸۹۶ھ

ایضاً
سن رحلت آن مه اوج دین — چو جوئی بیابی ز خلد برین ۸۹۶ھ

ایضاً
سن وصل آن آشنای خدا — بخوان ناصر الدین حق آشنا ۸۹۶ھ

ایضاً
بسال ترحیل آن خدا آگاه — هست قدسی صفت عبید الله ۸۹۶ھ

تاریخ رحلت حضرت مولانا عبد الرحمن جامی رحمة الله علیه

سنه ۸۹۹ شیخ علامه مولوی جامی — قطب دین بود عارف نامی

گفت تاریخ رحلتش مه جنت — عمدهٔ خلد مولوی جامی ۸۹۹ھ

ایضاً
سخندان حق آگه شیخ جامی — چو اندر بزم جنت یافته ره

برای یادگار سال وصلش — دلم گفتا سخندان حق آگه ۸۹۹ھ

تاریخ رحلت حضرت مولانا حسین واعظ کاشفی رحمه الله

سنه ۹۱۰ کوکب چرخ فضل شیخ حسین — سوی فردوس کرد چون رحلت

بهر تاریخ رحلتش گفتم — کوکب جاه گلشن جنت ۹۱۰ھ

باز خواندم برای سال وصال — هادی فیض و شاه عصمت ۹۱۰ھ

صاحب فضل بود شیخ ازان — فضل و شیخ آمده سن رحلت ۹۱۰ھ

ایضاً
رفت حسین واعظ چون سوی باغ جنت — تاریخ وصل گفتم امید وار رحمت ۹۱۰ھ

تاریخ رحلت مولانا آصفی رحمه الله

۹۲۶ھ	شہ بحیلان آصفی خوش سیر خامہ مدحت سن وصلش نوشت ولا آصفی شد بسوے بہشت	ایضاً	اہل دل پاک زکے و صفے زیب دہ اوج بہشت آصفی ۹۲۶ھ بخوان سال وصل آبروے بہشت ۹۲۶ھ

تاریخ وفات مولانا عبداللہ ہاتفی رح

۹۲۷ھ	زفضل خدا گشت چون کامیاب بتاریخ ترحیل او ہاتفی		زعیش ونعیم ارم ہاتفی بگفتا مقیم ارم ہاتفی ۹۲۷ھ

تاریخ وفات نصیر الدین ہمایون شاہ دہلی رح

۹۶۳ھ	نصیرالدین ہمایون شاہ دہلی پی تاریخ شنفارش دلم گفت		چو واصل شد بقرب حق بیچون شہ نامی نصیرالدین ہمایون ۹۶۳ھ

تاریخ رحلت حضرت محمد غوث گوالیارے

۹۷۰ھ	قطب دنیا و دین محمد غوث بہر تاریخ رحلتش گفتم		چون بباغ بہشت داخل شد سوی جنت ولی کامل شد ۹۷۰ھ

تاریخ وفات شیخ علی متقی گجراتی رحمۃ اللہ

۹۷۵ھ	ببزم قدسیان چون گشت واصل بتاریخ وصالش گفت مدحت سال ترحیل علی متقی	ایضاً	علی متقی قطب خدا رس علی متقی قطب مقدس ۹۷۵ھ امیر خلد ست ای مرد تقی ۹۷۵

تاریخ رحلت حضرت خواجہ باقی باللہ رحمۃ اللہ علیہ

۱۰۱۲ھ	چون ازین شاہزہ تنگ شدہ اوج گرای رہنمای از لشن برد بجولانگہ خلد آنشاہ اولیا کہ گرفتہ رہ بہشت سال ترحیل خواجہ قلب حزین	ایضاً ایضاً	مرکب کوکبہ خواجہ باقی باللہ جوی تاریخ ہم از خلد برین جولانگاہ ۱۰۱۲ھ تاریخ انتقال وی آمد شہ بہشت ۱۰۱۲ھ یافت انو پاسبان خلد برین ۱۰۱۲ھ

تاریخ رحلت جنت آرامگاه جلال الدین محمد اکبر شاه دہلی رحمہ اللہ

سال	مصرع اول		مصرع دوم
۱۰۱۴ھ	رفت از دنیا چو اکبر پادشاه		از صدای غم جهان پرشور شد
	بسکه در ماتم جهانی خون گریست		گفت هاتف چشم عالم کور شد ۱۰۱۴ھ
	ذاکبر فزود افتخار بهشت	ایضاً	شده سال وصلش وقار بهشت ۱۰۱۴ھ
	بهر تاریخ آن شه دوران	ایضاً	مردم دیده بهشت بخوان ۱۰۱۴ھ

تاریخ رحلت حضرت شیخ احمد سرہندی مجدد الف ثانی رح

سال	مصرع اول		مصرع دوم
سنہ ۱۰۳۵ھ	امام الف ثانی شیخ احمد		چو زین دنیای دون سوی جنان شد
	بتاریخ وصالش گفت مدحت		مجدد همنشین قدسیان شد ۱۰۳۵ھ
	سن رحیل شیخ اهل عرفان	ایضاً	دلم گفتا مجدد شیخ پاکان ۱۰۳۵ھ

تاریخ وفات سلطان نور الدین محمد جهانگیر پادشاه دہلی

سال	مصرع اول		مصرع دوم
سنہ ۱۰۳۷ھ	شاه نور الدین محمد خسرو هندوستان		بود چون خورشید در عالم جهانگیر زمان
	شمع ایمانش چو روشن کرد جایش در جنان		آفتاب صبح جنت گشت تاریخش عیان ۱۰۳۷ھ
	دیده بست سال رحلت شاه ارم نشین	ایضاً	از نرگس بهشت عیان چشم نکته بین ۱۰۳۷ھ

تاریخ رحلت حضرت مولانا شاهباز بهاگلپوری رحمہ اللہ

سال	مصرع اول		مصرع دوم
سنہ ۱۰۵۰ھ	مولوی شهباز که انوار او		خاک بهاگلپور گشته تابناک
	کرد چون پرواز بسوی لامکان		طائر روح کریم او زخاک
	طوطی طبعم بتاریخ وصال		گفت فردوس آشیان شهباز پاک ۱۰۵۰ھ
	سن وصل شهباز فرخ سرشت	ایضاً	پدید آمد از صدر بزم بهشت ۱۰۵۰ھ
	بود چون فرخنده فال آن باکمال	ایضاً	سال وصلش آمده فرخنده فال ۱۰۵۰ھ
	از بهر سال رحلتش از غیب بر ملا	ایضاً	شهباز زیب جاه بهشت آمده ندا ۱۰۵۰ھ

تاریخ رحلت حضرت شیخ عبد الحق محدث دہلوی رح

سنه ۱۰۵۱ه	چو از حکم خدای دو جهان شد		جنان آرامگاه شیخ دهلی
	سن ترحیل آن شیخ معزز	ایضاً	بجوئی از عزوجاه شیخ دهلی ۱۰۵۱ه
	سال فوت آن امام معنوی		یافتم از سوگ شیخ دهلوی ۱۰۵۱ه
	سال وصل شیخ دهلی گو میت گر بشنوی	ایضاً	پاکدامن قطب عبدالحق محدث دهلوی ۱۰۵۱ه
	دیگر باختلاف روایت		
سنه ۱۰۵۲ه باختلاف روایت	بفرق شیخ عبدالحق نهادند		چو تاج رحمت حق وقت رحلت
	بچشم نکته بین آمد نمایان		سن ترحیل وی از تاج رحمت ۱۰۵۲ه
	سال ترحیل شیخ پاک نهاد	ایضاً	دل من گفت شیخ نیک نژاد ۱۰۵۲ه
	تاریخ وفات ابوطالب کلیم همدانی رحمة الله علیه		
سنه ۱۰۶۱ه	کلیم سخن سنج والا گهر		چو آمد بایوان خلد النعیم
	بتاریخ ترحیلش از باب خلد		ملک گفت آمد سخنور کلیم ۱۰۶۱ه
	رفت از دهر شاعر نامی	ایضاً	هست از فوت او جهان بغم
	بهر تاریخ مرگ او بمدحت		گفت شاعر نماند در عالم ۱۰۶۱ه
	تاریخ وفات مولوی عبدالحکیم سیالکوٹی رحمة الله علیه		
سنه ۱۰۶۸ه	شد چو محمود دهر عالم دین		شیخ عبدالحکیم داخل خلد
	ملهم غیب سال ترحیلش		گفت محمود دهر واصل خلد ۱۰۶۸ه
	بهر سال وصل آن نیکو شیم	ایضاً	گفت دل سرو گلستان ارم ۱۰۶۸ه
	تاریخ وفات شاهزاده محمد داراشکوه رح		
سنه ۱۰۶۹ه	ظل حق شاهزاده عالم		واصل قرب قادر مطلق
	سال ترحیل آن معلے جاه		هاتف غیب گفت ظل الحق ۱۰۶۹ه
	بهر سال وصل آن نیکو سرشت	ایضاً	گفت مدحت صدر ایوان بهشت ۱۰۶۹ه

تاریخ رحلت شاه جنت آرامگاه حضرت شاهجهان پادشاه دهلی رح

سنه ۱۰۷۶ھ

تا کوکبهٔ حسن عمل شد سوی جنت
تاریخ سفر کردن شاهنشه دهلی

آن خسرو مشهور بفر خنده سرشتی
دریافتم از کوکبهٔ شاه بهشتی ۱۰۷۶ھ

ایضاً

شد بناز و نعمت اندر باغ خلد
گفت مدحت بهر تاریخ وصال

کامیاب آن خسرو هندوستان
تازیور دار ارم شاه جهان ۱۰۷۶ھ

فقرهٔ تاریخی

شاه جنت آرامگاه دهلی ۱۰۷۶ھ

تاریخ رحلت حضرت شیخ معصوم سرهندی رح

سنه ۱۰۷۹ھ

شیخ معصوم آن ولی پاکدامن زینجهان
خواست چون مدحت پی تاریخ وصلش عجب

شد بهوم قدسیان بشکسته بند آب و گل
عارف معصوم زیب اوج جنت گفت دل ۱۰۷۹ھ

تاریخ وفات ناصر علی سرهندی رح

سنه ۱۱۰۹ھ

شد دل اهل جهان در تعزیت
گفت سال فوت او قلب حزین

دردمند از حسرت ناصر علی
آه آه از رحلت ناصر علی ۱۱۰۹ھ

تاریخ رحلت شاه اورنگ زیب عالمگیر غازی شاه دهلی

سنه ۱۱۱۸ھ
سنه ۱۱۱۸ھ

تخت وافسر بجا سے ماند نماند
پی تاریخ گفت دل که نماند

حیف در دهر شاه خوش تقدیر
شاه اورنگ زیب عالمگیر ۱۱۱۸ھ

ایضاً

شاه عالمگیر آن سلطان هند
تهنیت خوان قدومش شدند
از جنان رضوان بسال رحلتش

شد به بزم خلد چون رونق فزا
ساکنان عالم نور و ضیا
گفت سلطان بهشتی مرحبا ۱۱۱۸ھ

ایضاً

بهر تاریخ شاه عالمگیر

وادخل الجنة بیاد بگیر ۱۱۱۸ھ

تاریخ رحلت حضرت میرزا مظهر جانجانان شهید رحمة الله علیه

۱۱۹۵ھ

ولیِ خدا مظہرِ پاکباز
سنِ وصل آن عارفِ نامور
سالکِ راہ وفا مظہرِ صدق و صفا
گفت بصد درد و غم سالِ وصالش ولم
سنِ رحلتِ آن شہیدِ سعید

ایضاً

چو شد بہرہ ور از نعیمِ بہشت
بخوان نام آور مقیمِ بہشت
۱۱۹۵ھ

ایضاً

بست بقربِ خدا رخت سفر زین جہان
سالک عالی مکان رفت بسوی جنان
۱۱۹۵ھ
بخوان جانِ جانان بہشتی شہید
۱۱۹۵ھ

تاریخ وفات مرزا محمد رفیع سودا

۱۱۹۵ھ

چو سودای شیرین زبان زین جہان
سنِ وصل آن شاعرِ نامور
زہی سخنور روشن کلام سودا انام
برای سالِ وصالش چو شد خیال رسید

ایضاً

روان شد چو بلبل بہ بستان خلد
ولم یافتہ در گلستان خلد
۱۱۹۵ھ
کہ بہ فروغ شد از طبع وی جہان سخن
زہی سخنور انور ندارد چرخ کہن
۱۱۹۵ھ

تاریخ رحلت حضرت خواجہ میر درد دہلوی رحمہ اللہ

۱۱۹۹ھ

خواجۂ نیکو شمائل میر درد
بہر تاریخ وصالش گفت دل

درد و عالم بود ذی شان بگیان
دفن شد زیر زمین با عز و شان
۱۱۹۹ھ

تاریخ وفات مرزا جعفر علی حسرت رحمہ اللہ

۱۲۰۰ھ

خاطرِ اہلِ جہان شد غمگین
مدحت خستہ بتاریخ بخواند

از غمِ رحلت جعفر علی
نوحۂ حسرت جعفر علی
۱۲۰۰ھ

تاریخ رحلت حضرت قطب العارفین شاہ نوری مرحوم سجادہ نشین دائرۂ مغ بازار ڈھاکہ

۱۲۰۰ھ

گشت چون نوری قدسی سیرت
خواند تاریخ وصالش مدحت

واصل حضرت پاک داور
واصلِ رحمت رب اکبر

طائر روح قدسی نوری — ایضاً — یافت چون جای در نشیمن خلد
بهر تاریخ رحلتش ز جهان — گفت دل عندلیب گلشن خلد ۱۲۰۰ھ
نوری چو جان بدرگه حق کرد ارمغان — ایضاً — از تحفهٔ بهشت شده سال آن عیان ۱۲۰۰ھ

تاریخ رحلت شاه قدرت الله مرحوم دهلوی

سنه ۱۲۰۵ھ
ولی خدا قدرتِ دهلوی — چو شد جلوه فرمای بام بهشت
ز تاریخ وصلش چو جویی خبر — بگو رونق افزای بام بهشت ۱۲۰۵ھ

تاریخ رحلت حضرت صوفی محمد دائم مرحوم بزرگ سجاده نشین دائرهٔ اعظم پورهٔ ڈهاکه

سنه ۱۲۱۴ھ
سن رحلتِ آن مهِ اوجِ دین — فلک گفت مهر بهشت برین ۱۲۱۴ھ
سن وصل آن شیخ والامراتب — ایضاً — عیان گشت از شیخ عالی مناقب ۱۲۱۴ھ
بسال غم شیخ رشک ملک — ایضاً — ندا داد هاتف وشیخ از ملک ۱۲۱۴ھ

تاریخ وفات مولوی محمد رفیع مرحوم جد دوم مصنف باشندهٔ ضلع سلهٹ

سنه ۱۲۱۷ھ
آن رفیع العصر والامنزلت — وارد ایوانِ عالیشانِ خلد
از پی تاریخ سالِ رحلتش — گفت دل شد وارد ایوان خلد ۱۲۱۷ھ
محمد رفیعِ رفیع المکان — ایضاً — طلب کرد چون راحتِ جاودان
ز دنیای دون بست رختِ سفر — شده رهگرا سوے باغ جنان
پی سالِ ترحیل او گفت دل — طلبگار جنت رفیع المکان ۱۲۱۷ھ

تاریخ رحلت مولانا عبد العلی بحر العلوم لکهنوی رحمه الله

۱۲۲۵ھ	بداغ دوری عبدالعلی شد		جهان را چاک دامان صبوری
	بردن آورد تاریخ وصالش		دل ابجد شمار از داغ دوری ۱۲۲۵ھ
	بهر تاریخ سن رحلت آن شیخ زمان	ایضاً	کوچ علامۂ احکام شریعت برخوان ۱۲۲۵ھ

تاریخ رحلت قطب زمان حضرت مولانا محمد عظیم
قدس سره العزیز باشندۂ پھولواڑی عم جد حقیقی مصنف

۱۲۲۶ھ	چو خورد آن گل بوستان کمال		بر از نعمت جاودان بهشت
	سن وصل آن گلشن عز و شان		برون آمد از بوستان بهشت ۱۲۲۶
	سال وصل آن گل بستان فروز باغ دین	ایضاً	دیدۂ چشم نکته بین در نرگس خلد برین ۱۲۲۶
	پی تاریخ وصل آن ولی اکرم و اعظم	ایضاً	ولی الله کامل و اصل خلد برین گفتم ۱۲۲۶
	سن وصل آن قطب صاحب کمالی	ایضاً	ملک گفت قطب عظیم الجلال ۱۲۲۶
	بهر تاریخ آن ستوده شیم	ایضاً	ضاعف الله اجره خواندم ۱۲۲۶
	سال ترحیل آن ولے کریم	ایضاً	گفت دل گلبن جنان عظیم ۱۲۲۶ھ

تاریخ رحلت حضرت شاہ صوفی احمد اللہ مرحوم
سجادہ نشین دائرۂ اعظم پورۂ ڈھاکہ

۱۲۳۰ھ	بایوان مسیحا آن مه دین		چو گشته جلوه گر با روی لامع
	ز سال رحلتش جستم چو تاریخ		فلک گفتا ابن خورشید طالع ۱۲۳۰
	سن وصل آن قطب فرخ سرشت	ایضاً	دلم گفت عمر و روان بهشت ۱۲۳۰

تاریخ رحلت مولانا شاہ عبدالعزیز محدث دہلوی رحمۃ اللہ

۱۲۳۹ھ	قطب حق عبدالعزیز دہلوی		عارف و علامۂ دین مبین

قطب نامی ساکن خلد برین ۱۲۳۹ھ	ایضاً	بهر تاریخ وصالش گفت دل
که بوده عارف حق از کماهی		شه عبدالعزیز آن قطب دهلی
بجنت رفت محبوب الهی ۱۲۳۹ھ		بتاریخ وصالش گفت مدحت

تاریخ رحلت حضرت شاه ابوسعید مجددی رح

سنه ۱۲۵۰ھ

روان شد بوسعید پاک کردار		بسوی بزم قدس از شوق دیدار
مکرر گفت هاتف شوق دیدار ۱۲۵۰ھ		چو پرسیدم ز سال رحلت او
نعمت بیزوال خلد عیان ۱۲۵۰ھ	ایضاً	شد بتاریخ آن ولی زمان

فقرهٔ نثر تاریخی

شمع مجلس بهشت ۱۲۵۰ھ

تاریخ رحلت حضرت صوفی شاه نقیت الله مرحوم سجاده نشین دایرهٔ ڈهاکه

سنه ۱۲۵۳ھ

گشت تا چون صوفی نقیت الله روان		زین جهان باشوکت حسن عمل
باهمه توقیر شد سوی جنان ۱۲۵۳ھ		گفت دل تاریخ سال رحلتش
مدحتا رحمت خدا برخوان ۱۲۵۳ھ	ایضاً	سال ترحیل آن ولی زمان

تاریخ وفات امام بخش ناسخ لکهنوی

سنه ۱۲۵۴ھ

گنج آسا بزیر خاک نهفت		حیف کان ناسخ بلند خیال
بود ناسخ بلند همت گفت ۱۲۵۴ھ		بهر تاریخ رحلتش مدحت
یافتم در وسعت آباد سخن ۱۲۵۴ھ	ایضاً	سال فوت ناسخ آن یکتای فن
یافت از مرشد سخن دل من ۱۲۵۴ھ	ایضاً	سال ترحیل آن امام سخن

تاریخ رحلت مولانا محمد اسحاق دهلوی مهاجر

سنه ۱۲۶۲ھ

چون واصل حق گشت و سوی باغ جنان رفت		آن فخر زمان مولوی اسحاق مهاجر
ای آه که از روی زمین قطب زمان رفت ۱۲۶۲ھ		فرمود بتاریخ وفاتش ملک از غیب

تاریخ وفات مولوی حافظ حاجی احمد کبیر مرحوم مجددی امین مدرسهٔ کلکته

سال			
سنه ۱۲۶۵ه	حافظ قرآن و حاجی مولوی احمد کبیر		آنکه در علم و هنر میداشت عالی دستگاه
	سوی جنت رفت و گفتا سال وصلش هاتفی		شد بهار افزای بستان جنان بازیب وجاه
	سال فوتش ای غریق لجهٔ درد و الم	ایضاً	طبع غواصم برون آورد از دریای غم

تاریخ رحلت مولوی رشید الدین احمد مرحوم متوطن سلهت عم مصنف

سال			
سنه ۱۲۷۰ه	چو فرمود رحلت ز دنیای دون		سوی خلد آن صاحب جاه و دین
	سن رحلت او پدیدار شد		ز سرمایهٔ ناز خلد برین
	سال ترحیل عم نیک سرشت	ایضاً	گفت تدحت گل بستان بهشت
	بهر سال رحلت آن صاحب توقیر و شان	ایضاً	صاحب توقیر جنت گفت رضوان جنان

تاریخ وفات شیخ محمد ابراهیم ذوق دهلوی

سال			
سنه ۱۲۷۱ه	سن وصل ذوق آن سخن سنج شیرین		بجو مدحتا از مضامین رنگین
	ذوق شیرین سخن آن شاعر مشهور دیار	ایضاً	از جهان کرد سفر در سن شیرین گفتار

تاریخ رحلت حضرت صوفی شاه عبد القادر مرحوم متوطن پهلواری

سال			
سنه ۱۲۷۵ه	قطب سلهت سمی حضرت غوث		شد بقصر جنان ز روی زمین
	بهر تاریخ رحلتش خواندم		قطب دین ساکن بهشت برین
	آن شمع بزم عرفان در خلد کرد منزل	ایضاً	برخوان بسال وصلش شمع بهشت [illegible]

تاریخ رحلت حضرت شاه تراب علی مرحوم سجاده نشین کاکوری

سال			
سنه ۱۲۷۵ه	تاریخ وصل شاه تراب فرشته خوی		از مرقد ولی خدای کریم جوی
	[illegible] رحلت ز دنیا تراب	ایضاً	سوی خلد آن شاه جنت نشین

بتاریخ ترحیل آن قطب حق		فلک گفت شاه بهشت برین	

تاریخ رحلت صوفی حاجی نور محمد مرحوم متوطن چاٹگام مقیم کلکته

سن رحلت صوفی رهنما		ولم یافته از خلیل جدا	سنه ۱۲۷۵ه
گشت از نور محمد چون فروغ آگین جنان	ایضاً	نور اوج جنت روشن نوشتم سال آن	

تاریخ رحلت حضرت شاه صوفی وجه الله مرحوم سجاده نشین دائره ڈهاکه

ببیت الله چون شد واصل حق		جناب شاه وجه الله ذی شان	سنه ۱۲۷۰ه
مکان آراست با صد رونق و فر		زبهر سکنتش در خلد رضوان	
چو رفت آن ماه دین از دهر خلقی		بداغ هجر او شد سینه بریان	
بمن گفتا بتاریخ وصالش		دل مهجور آه از داغ هجران	
بهر تاریخ وصال آنشه میمون لقا	ایضاً	شاه وجه الله فرخ پی ز چرخ آمد ندا	
بهر سال وصل آن قطب زمان	ایضاً	مستحق رحمت ایزد بخوان	

تاریخ رحلت حضرت صوفی مولانا محمد اسرائیل مرحوم

متوطن پهولباڑی برادر عمزاد جد مصنف

شاه اسرائیل آن قطب زمان		عارف حق عالم و الاتبار	سنه ۱۲۰۱ه
در جنان شد فائز عیش ابد		رفت چون زین عالم ناپایدار	
بهر سال وصل او گفتا سروش		شد بجنت عابد پرهیزگار	
سن ترحیل آن شیخ نکوکار	ایضاً	برآید از شمار اسم غفار	
سال وصل آن ولی نامدار	ایضاً	یافتم از رحمت پروردگار	
بهر سال وصل آن شیخ زمان	ایضاً	از جهان شد شیخ گفتا آسمان	
بتاریخ آن شیخ جنت نشین	ایضاً	بخوان کامران بهشت برین	

تاریخ وفات مولوی نصیر الدین حیدر مرحوم منصف سلهٹ صاحب سالۂ سهیل من

سنه ۱۲۸۳ھ

بفضل حق نصیر الدین حیدر — چو با صد کامرانی در جنان شد

ملک فرمود در تاریخ وصلش — نصیر الدین حیدر کامران شد

ایضاً

نصیر الدین حیدر عالم دین — که بر خلق ست ظاهر پایگاهش ۱۲۸۳ھ

اگر پرسی ز تاریخ وصالش — بگو بادا بهشت آرام گاهش ۱۲۸۳ھ

تاریخ رحلت والدین ماجدینم رحمهما الله تعالی

سنه ۱۲۸۴ھ

والدینم چو از جهان رفتند — گرد غم دهر بر سر افشاندم

داغ بر دل ز درین تیغ سرا — از غم مادر و پدر ماندم

بهر تاریخ درین غم جانکاه — های داغ دل و جگر خواندم ۱۲۸۴ھ

ایضاً

از فراق والدین ... هجوم رنج و هم — گفت مدحت از پی تاریخ هی هی درد و غم ۱۲۸۴ھ

ایضاً

پی تاریخ این ماتم رسیده — دل بسال از غم مادر کشیده ۱۲۸۴ھ

ایضاً

بافتند از مراسم باری — والدینم چو جا بکوی بهشت

بادل غیب گفت سن تاریخ — والدینم شدند سوی بهشت

ایضاً

والدینم چون زدند از زندگی تکبیر چار — گشت تاریخ بیشمار از چار سو با من دو چار ۱۲۸۳ / ۱۲۹۲

بهر تاریخ مصیبت شد رقم ترتیب وار — چار و ضعف چار و نصف چار و ضعف نصف چار

ایضاً

۱۰۰۰ غم و رنج جدا چون نیشتر شد — جگر را ز نیشش او جان و جگر شد

۲۰۰ روا از دهر ممکن نیست دیگر — دل من چاک از فوت پدر شد

چو من حرف سر این چار مصرع — شمردم سال ماتم جلوه گر شد

ایضاً بقاعدهٔ کلیه

سال وصل والدینم ای سخن پرور کنون — گر بخواهی تا سازی از لفظیکه تو خواهی برون
بشمر اول لفظ واندر چار آنرا ضرب کن — پس بیفزا یک عدد بر حاصل ای ذو فنون
باز آنرا ضرب کن برده پس آنگه طرح ساده — بست بست آنرا و برگیر انچه زو ماند فزون
ما بقی را ضرب کن ای یار اندر شصت و چار — دو بر آن افزای و دو چندش بکن یکسر کنون
یاد گیر و در پی این قاعده رو تا شود — مر ترا در سال وصل والدینم رهنمون

تاریخ رحلت مرزا اسد الله خان غالب دهلوی

سنه ۱۲۸۵ھ

دریغا که آن غالب نکته سنج — که گوی فصاحت ز سحبان برد
شد از دهر و تاریخ ترحیل او — دل زار گفت آه غالب بمرد ۱۲۸۵ھ

تاریخ رحلت مفتی صدر الدین محمد خان دهلوی

سنه ۱۲۸۵ھ

ز دنیا شد آن صدر بزم کمال — که بود آستانش فضائل مآب
چو پرسی ز تاریخ ترحیل او — بگو شد بخلد برین بی حساب ۱۲۸۵ھ
ایضاً
پی سال وصال صدر زمن — صاحب جنت بهشت بخوان ۱۲۸۵ھ

تاریخ رحلت مولوی حافظ اکرام احمد مجددی متخلص به ضیغم

سنه ۱۲۸۶ھ

سخندان معلی طبع ضیغم — چو زین دار فنا سوی جنان شد
بتاریخ وفاتش گفت مدحت — سخندان معلی از جهان شد ۱۲۸۶ھ
ایضاً
سن رحلت ضیغم هوشمند — فلک حافظ نیک اطوار خواند ۱۲۸۶ھ
ایضاً
آن سخن سنج مغز رفت زین دیر کهن — گشت تاریخ وصالش عزت افزای سخن ۱۲۸۶ھ

تاریخ رحلت مولانا کرامت علی مرحوم جونپوری

سنه ۱۲۹۰ھ

آنکه از پرتو فیض هدا — بود ذاتش چو نیر تابان
از جهان رفت در فراق رخش — تیره شد روز اهل هندستان
گفت تاریخ رحلتش مدحت — از جهان رفت آفتاب جهان ۱۲۹۰ھ

رفت از ہند آفتاب ہند (۱۲۹۰ھ) — گر بگوئی شود موافق آن
آن آبروِ علم و ہنر شیخ زمانہ — در منزل مقصود چو زین راہگذر رفت
ایضاً
پرسید ز من سال رحیلش ہاتفِ غیب — گفتا دل من آبروِ علم و ہنر رفت (۱۲۹۰ھ)

تاریخ رحلت علی احمد مرحوم نامی زمیندار سلہٹ

سنہ ۱۲۹۱ھ
ہنگام اجل گشت چو تاب علی احمد — در منزل فضل صمد ذوالکرم آمد
جان داد چو در مذہب سنت دل من گفت — تاریخ وفاتش کہ بباغ آرم آمد (۱۲۹۱ھ)
ایضاً
بطفیل عقیدۂ نیکو — رفت سوی جنان علی احمد
گفت تاریخ رحلتش ہاتف — ساکن روضہ جنان آمد (۱۲۹۱ھ)

تاریخ رحلت مولوی محمد عبد الرب مرحوم زمیندار کانی سائل برادر عم زادہ مصنف

سنہ ۱۲۹۱ھ
چو آن عالی گہر از ملک دنیا — سفر فرمود و در جنت مکین شد
بملک خلد شد زان بہر تاریخ — نوشتم مالک خلد برین شد (۱۲۹۱ھ)
ایضاً
بسال ترحیل آن ستودہ سرشت — گفت دل آفتاب صبح بہشت (۱۲۹۱ھ)
ایضاً
بسالیکہ واصل بفردوس شد — دلم گفت داخل بفردوس شد (۱۲۹۱ھ)
ایضاً
بہ سال وصل آن جنت مکان — نیکبخت و صاحب ایمان بخوان (۱۲۹۱ھ)

تاریخ رحلت صوفی شاہ عبد القاہر مرحوم

سنہ ۱۲۹۲ھ
ولی خدا آن ہمایون نفس — بحکم خدا شد چو جنت نصیب
بتاریخ وصلش دل زار گفت — بخلد برین شد ولی لبیب (۱۲۹۲ھ)
ایضاً
بہر تاریخ آن ولی زمان — از جہان رفت مقتدا بر خوان (۱۲۹۲ھ)

تاریخ رحلت جد امجدم اشرف العلما حضرت مولانا محمد انجب مرحوم رئیس پھولباڑی متعلقہ سلہٹ

سنه ۱۲۹۲ھ	عالم و پندار جسته امجدم		عارف حق زاهد والاخطاب
	عمر خود صرف رضای حق نمود		تا بحق واصل شد آن قدسی جناب
	گفت تاریخ وصال او دلم		عارف حق شد بجنت کامیاب ۱۲۹۲ھ
	آن عالم دین عارف حق	ایضاً	شد سوی جنان بجاه و تمکین
	رضوان پی سال رحلتش گفت		شد سوی بهشت عالم دین ۱۲۹۲ھ

تاریخ رحلت مولوی مظهر حسین مرحوم یکی از احباب راقم

سنه ۱۲۹۳ھ	آن مظهر جمله نیک خوئی		از خلق چو روی خویش بنهفت
	از مسند عیش و ناز دنیا		برخاست بگوشه لحد خفت
	آن جا چو قرین رحمت آمد		با عشرت سرمدی شده جفت
	تاریخ رحیل او دل من		مستوجب رحمت صمد گفت ۱۲۹۳ھ
	آنکه در شیوهٔ نکوخوئی	ایضاً	از جهانگیران دهر بهتر بود
	پی حسن محامد اخلاق		در طلوع شباب مظهر بود
	رفت از دهر چو بهر تاریخش		هاتفم گفت نیک اختر بود ۱۲۹۳ھ

تاریخ رحلت حضرت شاه عبد الغنی مجددیؒ

سنه ۱۲۹۴ھ	گل باغ مجدد گلشن فیض		بهی سرو شرف عبد الغنی نام
	چو پائیز اجل آمد رسیدش		بهار هستی فانی بانجام
	یکایک عندلیب روح پاکش		به بستان جنان فرمود آرام
	شده از فیض کلک گلفشانم		گل باغ ارم تاریخش ارقام ۱۲۹۴ھ
	گفت تاریخ رحلتش مدحت	ایضاً	قطب عالم شرف ده جنت ۱۲۹۴ھ

تاریخ رحلت حاجی قاضی مولوی عبد الباری مرحوم یکی از مشاهیر کلکته

سنه ۱۲۹۴ھ	چو سوی خلد آن علامهٔ دین		بشوق وصل رب العالمین رفت

از سال رحلتش جستم نشانے — ملک گفتا بفردوس برین رفت ۱۲۹۴ھ

ایضاً

چون شد راهی سوی جنت — حاجی قاضی عبدالباری
بعد از سالی گفتا مدحت — تاجی قاضی عبدالباری ۱۲۹۴ھ

تاریخ رحلت قطب العارفین حضرت مولانا مرشدنا مولوی صوفی شاه محمد علی حبیب قدس الله سره العزیز سجاده نشین دائره پهلواری

۱۲۹۵ھ

قطب عالم علی حبیب بخلد — زین جهان چون بصد کرامت رفت
گفت تاریخ رحلتش مدحت — از جهان صاحب ولایت رفت ۱۲۹۵ھ

ایضاً

مرشد آفاق شیخ رهنما — شد چو اندر روضهٔ رضوان مقیم
گفت دل از بهر تاریخ وصال — پیر و مرشد واصل دار النعیم ۱۲۹۵ھ

ایضاً

مرشد روشن ضمیر هادی برنا و پیر — زیب فزای جهان گشت چو از روی خاک
خواند بدرد و الم سال وصالش دلم — مرشد بیدار دل واصل فردوس پاک ۱۲۹۵ھ

تاریخ رحلت مولانا الحاج سعید بخت مرحوم رئیس اعظم سلهٹ

۱۲۹۵ھ

رفت سوی خلد بناز و نعم — صدر رؤسای کریم الشیم
گفت بتاریخ وصالش دلم — نیک سیر صدر نشین ارم ۱۲۹۵ھ

ایضاً

بهر تاریخ وصل آن ذی شان — شرف جنت برین برخوان ۱۲۹۵ھ

ایضاً

برای سال وصال سعید پاک شیم — بخواند یغفره هاتفی بگوش دلم ۱۲۹۵ھ

ایضاً

آن سعید ازل رئیس زمان — چون بجنت بناز و نعمت شد
با سر آه گفت هاتف غیب — صاحب غزو شان بجنت شد ۱۲۹۵ھ

تاریخ رحلت مولانا غلام امام شهید مرحوم

از دنیا رفت چو آن شهید عظمت گستر — [illegible] — دریغ آن عالم دین حیف آن مداح پیغمبر

چو خود بود او شهید الفت آن سالور عالم
واعظ دین شهید شد نه جهان
ایضاً
شده تاریخ وصل او شهید الفت ور
۱۲۹۶ھ
سال وصلش شهید واعظ خوان
۱۲۹۶ھ

تاریخ رحلت سیدنا الشریف حسین مرحوم شریف مکۂ معظمہ کہ بجدہ از دست یزید مشرلی شهید شده

سنہ ۱۲۹۷ھ
شرف بخش صدر سیادت حسین
شریف نکوکار و نیکو سرشت
چو شد رونق افزای بزم جنان
بتاریخ گفتم شریف بهشت
۱۲۹۷ھ
برای سال وصال شریف عالیشان
ایضاً
شریف مکه بجده شده شهید بخوان
۱۲۹۷ھ

تاریخ انتقال چودهری عبد الجلیل مرحوم باشندۂ پهلباری

سنہ ۱۲۹۷ھ
شد چو عبد الجلیل نیک نهاد
زین جهان سوی باغ خلد روان
بهر تاریخ انتقال او
گفتم مدحت مقیم باغ جنان
۱۲۹۷ھ

ایضاً شعر سال شمسی سنہ ۱۲۸۷ھ

پی سال ترحیل عبد الجلیل
که در عالم که مرانی نبرد
دلم خواند این مصرع اوستاد
بجان آفرین جان شیرین سپرد
۱۲۸۷ بنگله

تاریخ انتقال مولوی احمد علی مرحوم وکیل عدالت دیوانی سلهٹ

سنہ ۱۲۹۸ھ
ز دنیا چو آن صاحب عز و جاه
سفر کرد و بگرفت راه بهشت
بتاریخ سال سفر کردنش
بخوان صاحب دستگاه بهشت
۱۲۹۸ھ
بهر سال وصل آن فرخ سرشت
ایضاً
گفت هاتف اشرف اوج بهشت
۱۲۹۸ھ

تاریخ رحلت حضرت شاه محمد عمر مجددی فاروقی

[illegible]
زبدۂ آل مجدد شیخ فاروقی عمر
واصل حق گشت و روی خویش از عالم نهفت
بهر سال رحلتش طبع ارادتمند من
مرشد کامل شد از روی زمین ایوانی گفت
۱۲۹۹ھ

تاریخ رحلت مولوی غلام القیوم مرحوم
زمیندار بھاٹی پاڑہ متعلقہ سلہٹ

از جہان رفت بآغاز شباب بہر تاریخ وفاتش گفتم چو نوشید آن مست جام وصال بتاریخ آن میکش وصل حق	ایضاً	ہای ہای آہ غلام القیوم وای وای آہ غلام القیوم ۱۲۹۰ھ می پاک در بزم ابرار خلد دلم گفت می نوش گلزار خلد ۱۲۹۰ھ

سنہ ۱۲۹۰ھ

تاریخ تصنیف این نامۂ فیض معمور
موسوم بہ ریاض النور

از فروغ سنین وصلی سلف زان رقم کرد خامۂ مدحت چون تواریخ وداع اصفیا از برای سال تصنیفش ملک چون تواریخ بزرگان سلف سال تصنیفش چو جستم از خرد	ایضاً ایضاً	ورق نامہ شد چو صفحۂ دہور نام تاریخ او ریاض النور ۱۲۹۰ھ یافت در این نامہ اینک اجتماع بادلم گفتا تواریخ وداع ۱۲۹۰ھ کرد کلک مدحت مسکین رقم گفت عقل کل تواریخ امم ۱۲۹۰ھ

سنہ ۱۲۹۰ھ

تمت

وجہ مہر و دستخط

برای سند اینمعنی کہ کتاب ہذا مطبوع مطبع نظامی ست مہر و دستخط مہتمم در آخرش ثبت گردید

